

## بررسی خلاقیت معلمان ابتدایی ( مطالعه موردی : شهرستان دهگلان )

شایسته احمدی<sup>۱</sup>، فاطمه غیرتیان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج

نویسنده مسئول:

شایسته احمدی



### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان خلاقیت معلمان ابتدایی شهرستان دهگلان بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمام معلمان پایه های اول تا ششم هستند که تعداد نفرات آن ها ۳۱۲ نفر است. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه گیری مورگان ۱۶۲ نفر برآورد شد و این تعداد با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای از بین جامعه ی آماری انتخاب شده است. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه استاندارد پرسشنامه ی خلاقیت عابدی (پایایی ۰/۹۵) می باشد.

**کلمات کلیدی:** خلاقیت، معلمان ابتدایی، دهگلان.

## مقدمه

دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم به سرعت در حال تغییر است و در این زمان، تفکر خلاق، کلیدی است که امکان مواجهه با مشکلات، تطبیق و در نهایت موفقیت را برای ما فراهم می‌سازد. در حل خلاق مسئله، انسان تمام توانایی مغزی خود را به کار می‌گیرد (لامزدین<sup>۱</sup> و لامزدین، ۱۳۸۶/۲۰۰۷). اکنون در آغاز هزاره ی سوم به جرأت می‌توان گفت خلاقیت همان چیزی است که زندگی مدرن بشر متمدن را از زندگی ابتدایی انسان نخستین جدا می‌کند. خلاقیت همواره مفهومی پیچیده بوده است و نظریه‌ها و تعاریف گوناگونی که تاکنون درباره ی آن ارائه شده است.

خلاقیت در گذشته، پدیده ای مترادف با نبوغ تلقی می‌شد. در اواخر قرن ۱۹ و در اوایل قرن ۲۰ به منبع جدید خلاقیت توجه شد. در این دوران، این تفکر که نبوغ یا توانایی غیرمعمولی در یک فرد از یک روح بیرونی ناشی می‌شود، رنگ باخت. نزدیک به نیم قرن طول کشید تا خلاقیت به طور علمی و دقیق مطالعه شود. رهبری این جریان علمی را گیلفورد در سال‌های (۱۹۵۹-۱۹۶۷) بر عهده داشت (سام خانیان، ۱۳۸۷).

دانشمندان خلاقیت را با تعابیر متعدد و گوناگونی تعریف کرده اند؛ به گونه ای که گاهی هر تعریف فقط بیانگر یک بعد از ابعاد مهم فرآیند خلاقیت است؛ برای مثال هربرت فوکس، بر این باور است که "فرآیند خلاقیت عبارت است از هر نوع فرآیند تفکری که مسئله‌ها را به گونه مفید و بدیع حل کند؛ هم چنین به باور جرج سیدل، توانایی ربط دادن و وصل کردن موضوع‌ها، صرف نظر از این که در چه حوزه یا زمینه ای انجام گیرد، از مبانی بهره‌گیری خلاق ذهن است. اریک فروم نیز بر این باور است که خلاقیت، توانایی دیدن (آگاه شدن) و پاسخ دادن است؛ به این ترتیب می‌توان گفت که روی هم رفته، خلاقیت عبارت است از به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهومی نوین (ابراهیمی، ۲۰۱۴). گاردنر<sup>۲</sup> معتقد است که خلاقیت توانایی حل مسائل یا تولید به طور منظم، به شکلی بدیع و در ضمن قابل قبول برای جامعه است (گاردنر، ۱۹۹۳). مدنیک<sup>۳</sup> خلاقیت را شکل دادن به عناصر متداعی به صورت ترکیبات تازه می‌داند که با الزامات خاصی مطابق بوده یا به شکلی مفید است. هر چه عناصر ترکیب جدید غیر مشابه تر باشند، فرآیند حل کردن، خلاق تر خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۱).

در قرآن نیز از آفرینندگی گاهی بر معنی تسخیر تعبیر شده است و «تسخیر لکم ما فی السموات فی الارض جمیعاً» (سوره جاثیه- آیه ۱۳) یعنی خداوند بر پدیده‌های طبیعی آنچنان نیرویی بخشید که انسان می‌تواند با قدرت تسلط و حاکمیتی که دارد در آن تصرف نموده و هر گونه دگرگونی و سازندگی در آن بوجود آورد.

در بسیاری از کشورها، برنامه ی آموزش ابتدایی، محور تحول اساسی در امر آموزش است. با اهمیت دادن به ابعادی چون نگرش‌ها، ارزش‌ها و امنیت در مدرسه می‌توان در روند رشد خلاقیت تأثیر گذاشت. ایجاد کردن فضای امن برای کودکان در محیط‌های آموزشی و هم چنین درک توانایی‌ها و استعدادها ی آنان از طریق به کار بردن روش‌هایی مانند تحقیق، پژوهش و پروژه‌هایی که استقلال یادگیری را در آنان تشویق می‌کند، می‌تواند محرکی برای توانایی خلاق کودکان باشد (عابدی، ۱۳۷۲).

شالوده و زیربنای فعالیت‌های مدرسه از مقطع ابتدایی و حتی پیش دبستانی آغاز می‌گردد به همین جهت برنامه ی درسی مدارس ابتدایی باید بر مبنای کارکردها و هدف‌هایی که متناسب با دنیای جدیدی که شتابان در حال تغییر است، تدوین شود. از این رو برای تدوین برنامه ی درسی مناسب باید علاوه بر هدف‌های برنامه ی درسی سنتی، هدف‌های جدیدی نیز به عنوان ملاک‌هایی در نظر گرفته شود. از آن جا که کودکان توانایی خلاقیت دارند و خلاقیت آنان از اشتیاق وافر و واقعی به ابراز شادی سرچشمه می‌گیرد، آموزش خلاقیت، افکار و احساس شخصی آنان را توسعه می‌دهد. از این رو، آموزش خلاقیت باید بخشی از آموزش و پرورش دوره ی ابتدایی باشد که موجب می‌شود عکس‌العمل‌های فردی کودکان، دارای ارزش باشد. آموزش خلاقیت، کودک را به تفکر درباره ی ایده‌های خود و می‌دارد و سبب می‌شود کودک این ایده‌ها را برای خود تفسیر کند و به آن‌ها معنا بدهد و این امر موجب بالا رفتن اعتماد به نفس وی درباره ی توانایی‌هایش و تجربه ی افکار و ارتقاء بهداشت روانی وی می‌گردد (تقی پور، ۱۳۸۷).

بررسی نحوه ارتباط آموزشی معلمان خلاق نشان داده که آنها معمولاً از روش‌های زیر استفاده می‌کنند:

- 1- استفاده از حواس مختلف، توجه به حواس مختلف و استفاده صحیح و بجا از آنها در فرآیند یادگیری
- مطالعات (بودو، ۱۳۵۸؛ شهرآرای، ۱۳۷۰) نشان داده است که این افراد از امکانات سمعی - بصری، کامپیوتری، کانال‌های ارتباطی و دیگر وسایل کمک آموزشی بیشتر بهره می‌گیرند.

<sup>1</sup> -Lamezdin&lamezdin

<sup>2</sup> - Gardner

<sup>3</sup> - Mednick

- 2- استفاده از تجربه‌های مستقیم  
(نقش پرورش دهندگان خلاقیت در فراهم آوردن زمینه برای دستکاری اشیاء و تجربه و آزمایش، تشویق جهت پیدا کردن راه‌های جدید، ترغیب فراگیران به حدس زدن جهت ابداع و نوآوری)
- 3- استفاده از روش بحث و گفتگوی آزاد و متقابل  
بکارگیری سخنان خود جوش و گفتگوی آزاد و متقابل و غیر قالبی (بودو، ۱۳۵۸، نمر ۱۳۶۹)، تشویق فراگیران به ارائه نظرات و انتقادات خود و فراهم آوردن شرایط مناسب برای داد و ستد اجتماعی و ذهنی، پاسخ غیر مستقیم به سؤالات کنجکاوانه آن‌ها.
- 4- استفاده از روش فعال در تدریس  
تقویت قوه خلاقیت از طریق فعالیتهای خودبخودی با تکیه بر تجربیات عینی و امکانات فراگیر، رشد و توسعه آزادی عمل و استقلال فراگیر، عدم تکیه برحافظه شناختی و تاکید بر درک و فهم، تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و حل مسئله در آموزشی. (روش اکتشافی)
- 5- استفاده از روش بارش مغزی یا کنکاش مغزی  
استفاده از روشهای گوناگون جهت حل مساله، دادن فرصت لازم جهت تفکر عمیق و طرح نظر خودبطور آزادانه، نقش راهنما داشتن معلم و شرکت فعالانه فراگیران در جریان یادگیری.
- 6- استفاده تلفیقی از تفکر واگرا و همگرا  
ایجاد موازنه منطقی بین این دو شیوه تفکر و استفاده از آنها در کنار هم. دادن فرصت به فراگیران در جهت کسب اصول و دانش و اطلاعات در رشته‌های گوناگون به صورت فردی یا گروهی و فراهم ساختن زمینه مساعد برای تفکر واگرا.
- 7- توجه به تفاوت‌های فردی  
دارا بودن شناخت از تفاوت‌های فردی فراگیران، تطبیق محتوا و روشهای آموزشی و پرورش خلاقیت را دارند. بنابراین خلاقیت توانایی ذاتی نیست، بلکه رویکردی روش شناسانه است که بیشتر افراد می‌توانند آن را بیاموزند. بطور خلاصه می‌توان به اصول زیر بنایی افزایش مهارت خلاقیت به ترتیب زیر اشاره کرد:
- 1- نگرش متفاوت معلم به موضوعات درسی.
  - 2- استفاده از روشهای مختلف تدریس و راهکارهای متفاوت.
  - 3- تغییر در ابزار ارزشیابی و سنجش. (سایت راسخون)
- با توجه به تعاریف خلاقیت و دستاوردهای پژوهش‌های انجام شده در این زمینه مشخص می‌شود که خلاقیت قابلیت آموزش و پرورش دارد و با به کارگیری تکنیک‌های مربوط به آن می‌توان معلمان و به تبع آنان فراگیران را تحت آموزش و پرورش قرار داد. مربی یا معلمی که می‌خواهد یک کلاس ویژه‌ی پرورش خلاقیت را اداره کند و یا این که علاقمند است در جریان تدریس روزمره‌ی خود به طور جدی پرورش خلاقیت دانش‌آموزان را هم مدنظر داشته باشد، اگر چنانچه چه از خصوصیات و نگرش‌های ویژه‌ی او که با ماهیت و فرآیند خلاقیت مناسبت دارد، برخوردار باشد، مطمئناً در کار خود بسیار موفق‌تر عمل خواهد کرد. البته یک چنین معلمی حتماً لازم نیست که خودش فردی خلاق باشد، اما اگر چنانچه شخصاً از مهارت‌های اساسی خلاقیت برخوردار باشد و بتواند عملاً از آن‌ها استفاده کند، بدون شک در پیش برد و هدایت کلاس و تاثیر گذاری بیش‌تر و بهتر بر دانش‌آموزان خود موفقیت بیش‌تری کسب خواهد کرد.

## روش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش به شیوه توصیفی، همبستگی و انجام شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی اساتید معلمان مقطع ابتدائی شهرستان دهگلان می‌باشد که براساس آخرین آمار به دست آمده از اداره‌ی آموزش شهرستان دهگلان، تعداد کل جامعه‌ی آماری ۳۱۲ نفر حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری مورگان، ۱۶۲ نفر برآورد شد و این تعداد با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از بین جامعه‌ی آماری انتخاب شده است. نمونه‌ی آماری طبق فرمول تصادفی نسبی طبقه‌ای ۱۶۲ نفر می‌باشد. هنگامی که ساختار جامعه‌ی پژوهش ناهمگون بوده و بتوان درون جامعه قشرها، طبقه‌ها، یا گروه‌های گوناگون اما با درصدهای جمعیتی متناوب را مشخص نمود، می‌توان از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده نمود. جمعیت هر طبقه را بر جمعیت کل تقسیم نموده تا درصدهای هر طبقه به دست آید و بعد درصدهای فوق را در حجم نمونه ضرب می‌کنیم تا سهمیه‌ی هر طبقه به دست آید. پژوهشگر نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری فوق حجم نمونه‌ی خود را برآورد کرد. روش نمونه‌گیری به این صورت بود که دانشکده‌های کامپیوتر، مهندسی، کشاورزی و

علوم پایه انتخاب گردیدند، بعد از مشخص شدن جامعه آماری هر کدام از دانشکده ها حجم نمونه هر طبقه به شرح جدول ذیل مشخص گردید (میرزایی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶).

جدول ۱: حجم جامعه و نمونه اساتید

نمونه	جامعه	
۱۴	۲۵	پایه اول
۱۴	۲۶	پایه دوم
۱۴	۲۶	پایه سوم
۱۴	۲۵	پایه چهارم
۱۴	۲۵	پایه پنجم
۱۴	۲۵	پایه ششم
۷۲	۱۶۰	چندپایه

ابزار اندازه گیری این پژوهش پرسشنامه خلاقیت عابدی می باشد.

### پرسشنامه خلاقیت عابدی

این آزمون یک آزمون مدادی-کاغذی است. در سال ۶۳-۱۳۶۲ دکتر جمال به تشویق و کمک گروهی از دانشجویان درس روانسنجی گروه روانشناسی دانشگاه تهران بر پایه ی تئوری و تعریف تورنس از خلاقیت یک آزمون ۷۵ سوالی برای اندازه گیری خلاقیت ساخت. مواد این آزمون در چهار گروه: سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط قرار گرفت. در سال ۱۹۸۶ دکتر عابدی در دانشگاه کالیفرنیا با کمک یکی از دانشجویان درس آمار و روش تحقیق، این آزمون را از نو طراحی نمود و بارها مورد تجدید نظر قرار دادند. فرم بعدی آن در سال ۱۹۹۲ توسط گروه استادان دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس ساخته شد و دارای ۶۰ ماده می باشد که تعداد ۱۹ ماده در بخش سیالی، ۲۲ ماده در بخش ابتکار، ۱۱ ماده در بخش انعطاف پذیری و ۱۱ ماده در بخش بسط تقسیم شده است. هر ماده دارای سه گزینه است. این آزمون دارای ۶۰ ماده می باشد که تعداد (۲۲ ماده) در بخش ابتکار، (۱۶ ماده) در بخش سیالی، (۱۱ ماده) در بخش انعطاف پذیری و (۱۱ ماده) در بخش بسط تقسیم شده است. هر ماده دارای سه گزینه می باشد. گزینه ها نشان دهنده ی میزان خلاقیت از کم به زیاد است که به ترتیب نمره ای از ۱ تا ۳ به آن ها تعلق می گیرد. این نمره ها در چهار گروه جمع شده و بدین ترتیب چهار نمره به دست می آید و با جمع بندی چهار نمره می توان یک نمره کل برای خلاقیت آزمودنی به دست آورد (عابدی، ۱۳۷۲).

### اعتبار و پایایی پرسشنامه خلاقیت عابدی

کفایت (۱۳۷۳) در پژوهش خود برای سنجش اعتبار آزمون از سه روش همبستگی با آزمون تورنس، همبستگی با پرسشنامه سنجش خلاقیت دانش آموزان ساخته شده توسط دبیران و مقایسه دو گروه خلاق و غیر خلاق استفاده کرده است. در روش اول (همبستگی آزمون تورنس) ضرایب برای کل آزمون (۰/۱۵)، سیالی (۰/۰۸)، انعطاف پذیری (۰/۱۲)، ابتکار (۰/۰۲) و بسط (۰/۰۶) به دست آمده ضرایب بدست آمده به جز مقیاس انعطاف پذیری و کل آزمون که در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنی دار هستند. لقیه در سطح مورد نظر معنی دار نمی باشند. در روش دوم (همبستگی با پرسشنامه خلاقیت دبیر) ضرایب کل آزمون (۰/۰۳)، مقیاس سیالی (۰/۰۰۸)، انعطاف پذیری (۰/۲۰)، ابتکار (۰/۱۴) و بسط (۰/۰۴) می باشد که به جز مقیاس انعطاف پذیری که در سطح ۰/۰۵ معنی دار می باشد، بقیه مقیاس ها و کل آزمون در سطح مورد نظر معنی دار نبودند. در روش سوم (مقایسه دو گروه خلاق و غیر خلاق) که بر روی گروه ۱۲ نفری از پرسنل گروه ملی صنعت فولاد اجرا شد. میانگین افراد خلاق و غیر خلاق با یکدیگر تفاوت معنی داری نشان نداد و در سطح مختلف عامل B (مقیاس های فرعی خلاقیت) با نسبت  $F=219/78$  و در سطح ۰/۰۵ معنی دار بود (دائمی، ۱۳۷۶؛ نقل از بفخم، ۱۳۸۷). برای بررسی پایایی از روش همسانی درونی و آلفای کرونباخ استفاده شده است. این ضرایب برای سنجش سیالی آزمون (۰/۷۵)، ابتکار (۰/۶۷)، انعطاف پذیری (۰/۶۱) و بسط (۰/۶۱) گزارش شده است. از روشهای مولفه های اصلی، برای برآورد میزان

هماهنگی مواد در هر بخش استفاده شده است. مواد آزمون در هر چهار بخش همبستگی نسبتا بالایی (بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۵) با اولین متغیر نهفته دارد (عابدی، ۱۳۹۰).

### یافته ها

جدول ۲: فراوانی آزمودنی ها براساس جنس

تعداد	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	
۱۰۲	۶۳.۰	۶۳.۰	مرد
۶۰	۳۷.۰	۱۰۰.۰	زن
۱۶۲	۱۰۰.۰		جمع

براساس جدول بالا ۱۰۲ نفر معادل 63.0 از آزمودنی ها مرد و 60 نفر معادل ۳۷٪ از آزمودنی ها زن هستند که نشان دهنده این است که تعداد مردان بیشتر است.

جدول ۳: فراوانی آزمودنی ها براساس خلاقیت

فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی	فراوانی	
9	5.6	5.6		بسیار کم
61	37.7	43.2		کم
66	40.7	84.0		متوسط
23	14.2	98.1		زیاد
3	1.9	100.0		بسیار زیاد
162	100.0			جمع

براساس جدول و نمودار بالا ۹ نفر معادل 5.6 از آزمودنی ها خلاقیت بسیار کم، ۶۱ نفر معادل 37.7 از آزمودنی ها خلاقیت کم، ۶۶ نفر معادل 40.7 از آزمودنی ها خلاقیت متوسط، ۲۳ نفر معادل 14.2 از آزمودنی ها خلاقیت زیاد و ۳ نفر معادل 1.9 خلاقیت بسیار زیاد دارند که نشان دهنده این است که تعداد آزمودنی هایی که خلاقیت متوسط دارند از بقیه گروه ها بیشتر است.

جدول ۴: فراوانی آزمودنی ها براساس پایه تدریس

فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی	فراوانی	
15	9.3	9.3		پایه اول
15	9.3	18.5		پایه دوم
15	9.3	27.8		پایه سوم
14	8.6	36.4		پایه چهارم
17	10.5	46.9		پایه پنجم
14	8.6	55.6		پایه ششم
72	44.4	100.0		چندپایه
162	100.0			جمع

براساس جدول و نمودار بالا ۱۵ نفر معادل ۹.۳ از آزمودنی ها پایه اول، ۱۵ نفر معادل ۹.۳ از آزمودنی ها پایه دوم، ۱۵ نفر معادل ۹.۳ از آزمودنی ها پایه سوم، ۱۴ نفر معادل ۸.۶ از آزمودنی ها پایه چهارم، ۱۷ نفر معادل ۱۰.۵ پایه پنجم، ۱۴ نفر معادل ۸.۶ از آزمودنی ها پایه ششم و ۷۲ نفر معادل ۴۴.۴ در کلاس های چندپایه تدریس دارند.

### بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر به منظور بررسی میزان خلاقیت معلمان ابتدائی شهرستان دهگلان می باشد. جامعه ی آماری این پژوهش شامل کلیه ی معلمان مقطع ابتدائی شهرستان دهگلان می باشد که براساس آخرین آمار به دست آمده از اداره ی آموزش شهرستان دهگلان، تعداد کل جامعه ی آماری ۳۱۲ نفر و حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه گیری مورگان، ۱۶۲ نفر برآورد شد و این تعداد با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای از بین جامعه ی آماری انتخاب شد.

ابزار تحقیق شامل پرسشنامه استاندارد پرسشنامه ی خلاقیت عابدی (با پایایی ۰/۹۵) می باشد. تجزیه و تحلیل داده ها حاصل در سطح توصیفی به کمک نرم افزار spss انجام گردید و نتایج نشان داده است: تعداد ۶۶ نفر از معلمان از نظر خلاقیت در سطح متوسطی قرار دارند و ۷۲ نفر از معلمان در کلاس های چندپایه بیشترین تعداد شرکت کننده را به خود اختصاص داده اند. یکی از عامل و متغیرهایی که ممکن است در بهره وری نیروی انسانی در کارکنان آموزش و پرورش تاثیر گذار باشد خلاقیت است. امروزه که شاهد رقابت فشرده سازمان ها برای دست یابی به نوین ترین فناوری و منابع قدرت هستیم، کارکنان خلاق و صاحبان اندیشه نو به مثابه گرانبهارترین سرمایه ی سازمان از جایگاهی رفیع برخوردارند و رویارویی مؤثر با تحولات فزاینده محیطی در گرو خلاق بودن است از آن جا که تأمین هدف های سازمان مستلزم در اختیار داشتن نیروهای انسانی توانمند می باشد، این از وظایف نظام های آموزشی است که با ارایه مستمر ایده ها، و برنامه ها روش های نوین آموزش، کارکنان را به گونه ای پرورش دهند که قادر باشند به تنهایی تصمیم بگیرند، راه حل های تازه برای مسایل پیدا کنند و در قبال کار احساس مسئولیت کنند (سادات، ۲۰۰۵).

پژوهش های پارودو (۲۰۰۲) نشان داد معلمان آموزش دیده، بر عملکرد خلاق، پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی دانش آموزان تأثیر به سزایی دارند و این تأثیر شامل هر گروه، دانش آموزان مستعد و غیرمستعد می شود. با توجه به این نتیجه او پیشنهاد می کند که برای معلمان به ویژه کشورهای در حال توسعه آموزش پیوسته و منظمی صورت گیرد.

برای رشد و شکوفایی خلاقیت در مدرسه ها، پیشنهاد می شود محتوای مواد آموزشی و روش های یادگیری مبتنی بر حمایت از خلاقیت دانش آموزان بازنگری شود و سیاست گذاران و برنامه ریزان نظام آموزشی در برنامه ریزی های خود به پررنگ کردن اهمیت پرورش خلاقیت، در مقابل موفقیت تحصیلی صرف، توجه ویژه ای داشته باشند. با وجود آن که رشد و شکوفایی دانش آموزان، مستلزم همکاری همه ی سازمان های وابسته و نظام آموزش و پرورش، معلمان، والدین و خانواده ها است، بی تردید معلمان نوآور و خلاق نیز می توانند بر افزایش خلاقیت دانش آموزان اثرگذار باشند.

اگر به معلمان ساختار مناسبی ارائه شود، آنان نگرش مناسبی یافته و با آگاهی بیشتر، عملکرد مناسب تری خواهد یافت و این خود باعث می شود دانش آموزان با انگیزه ای بیشتر و به صورت فعال تر با مسائل آموزشی برخورد کنند. معلمان خلاق با رفتار خود الگویی خلاق را در برابر شاگردان به نمایش می گذارند، آن ها را تشویق به پرسش نموده و اجازه ی خطر کردن و اشتباه کردن را به آن ها می دهد. اگر ما بخواهیم کودکانی سرآمد و خلاق پرورش دهیم بایستی نظام آموزشی، عوامل تأثیرگذار در این زمینه را شناسایی و برای آموزش راهکارهایی که منتهی به افزایش و توسعه نگرش خلاقیتی به آنان می گردد، برنامه ریزی کند و یکی از مهمترین عناصر شناخته شده که ارتباط بلافصلی با دانش آموز و پرورش استعدادها ی مختلف وی دارد، معلم است و فرض بر این است که اگر معلم با نگرشی نوین، خلاق و مجهز به ابزارها و تکنیک های خلاقیتی، قدم به صحنه ی آموزش گذارد، به طور طبیعی دانش آموزانی توانمند، خلاق و دارای اندیشه ی نو برای مواجهه ی خردمندانه با زندگی و حل مسائل دنیای بشری به اجتماع تحویل خواهد داد.

بنابر نتایج این پژوهش می توان پیشنهاد کرد که آموزش و پرورش در فاصله ی کوتاهی پس از شروع به کار معلمان برای آن ها دوره های ضمن خدمت آموزش تکنیک خلاقیت از جمله روش بارش مغزی، بدیعه پردازی و سایر روش های تدریس فعال را تدارک ببیند، در کنار آموزش برای معلمان، برگزاری جلسات توجیهی برای مدیران جهت ایجاد نگرش خلاقیتی در آنان ضروری است زیرا اگر مدیران خلاق باشند کادری خلاق خواهند داشتند و به تبع آن دانش آموزانی خلاق تربیت خواهند کرد. چون نتایج این تحقیق نشان می دهد که میزان خلاقیت معلمان ابتدائی این شهرستان در سطح پائینی می باشد و باید مسئولان مربوطه دوره های آموزش خلاقیت را در برنامه های خود قرار دهند.



## منابع و مراجع

- [۱] پرسشنامه خلاقیت عابدی، آزمون یار پویا، ۱۳۹۰
- [۲] تقی پورظهیر، علی. (۱۳۸۷). برنامه ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره ی سوم. تهران: آگاه.
- [۳] حسینی، افضل السادات (۱۳۸۱). ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن. چاپ دوم. مشهد: به نشر انتشارات آستان قدس رضوی.
- [۴] سام خانیان، محمدربیع. (۱۳۸۷). خلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی (مفاهیم، نظریه ها، تکنیک و سنجش). تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- [۵] عابدی، جمال (۱۳۷۲) خلاقیت و شیوه ای نو در اندازه گیری آن. پژوهش های روان شناختی، دوره ای ۲، شماره ی ۱ و ۲.
- [۶] لامزدین، ادوارد و لامزدین، مونیکا. حل مسأله. ترجمه ی ارباب شیرانی، بهروز و نصرآزادانی، بهروز (۱۳۸۶). تهران: ارکان دانش.
- [۷] میرزایی، خلیل. (۱۳۹۰). پژوهش و پژوهش گری و پژوهش نامه نویسی. (چاپ دوم). تهران: انتشارات جامعه شناسان.

[۸] Costelloe, T.M. (2008). Hume's phenomenology of the imagination. *The Journal of Scottish Philosophy*, 5(1), 31-25. Retrieved May 20, 2008, from Academic Search Complete database.

[۹] Ebrahimi Moghadam, H., Zeinolabedin, F. (2014). Check dimensions of creativity (fluency, flexibility, originality, elaboration on the details of academic achievement), First National Conference on Psychology (in Persian).

[۱۰] Gardner, H. (1993). *Creating Minds: An Anatomy of Creativity seen Through The Lives of Freud, Einstein, Picasso, Stravinsky, Eliot, Graham and Ghandi*. New York: Harper Collins.

[۱۱] Saadat, E. & Sadaghi, M. (2005). Designing a Model for the planning of creativity in research institutions of the country, the monthly Journal, Issue 14. (in Persian).

[۱۲] <http://rasekhoon.net>.

